

bookroom.ir

عقل و استدلال و عقلانیت

• دکتر سعید زیبا کلام – استاد دانشگاه تهران



bookroom.ir

bookroom.ir

- آیا لازم است متفکران، متکلمان، عالمان اجتماعی، مفسران، فقیهان، و فیلسوفانی که به نحوی نگاه به منابع و میراث فرهنگی-معنوی بومی دارند نظریه‌ای در باب عقلانیت دراندازند؟

- آیا این امر یک ضرورت است؟ یعنی، نظر به اینکه امروزه واژه عقلانیت در جامعه ما در تقریباً تمام گفتمان‌های تخصصی، عرصه سیاسی، و رسانه‌ای به وفور و کثرت به کار می‌رود - صرف‌نظر از اینکه کاربران آن چقدر و یا اصلاً فهم روشن تفصیل یافته همسازی از آن دارند - و ظاهراً تبدیل به یک مفهوم مقبول مثبتِ موجه و موجه فاخری شده که کاربران با دعوی صرف آن، برای حرف و حدیث و نظریه‌های خود اعتبار و وجاهتی را پیشاپیش و به همین سهولت کسب می‌کند، آیا لازم است متفکران و عالمان بومی‌باور و بومی‌اندیش تلاش کنند از دل منابع و میراث خودی عقلانیتی را اخذ و استخراج کنند؟ و لابد مشاهده شده که در همین یک دهه گذشته اشارات و توصیه‌هایی، و بعضاً تلاش‌هایی جزئی و دست‌وپاش‌کسته هم برای طراحی چنین نظریه‌ای صورت گرفته است.

- اینک این سؤال مطرح می‌شود که آیا عالمان صنوف مختلف باید مطابق مُد روز و جو زمانه حرف و حدیث بسازند و بگویند؟ یعنی، چون امروزه سکه عقلانیت در

بازار فکر و فرهنگ خوب خرید و فروش می‌کند، پس باید با این سکه کاروبار خود را سامان ببخشیم؟

□□□

- اینک اما جا ندارد از خود سؤال کنیم عقلانیت چگونه مفهومی است؟ و مرتبط با چگونگی آن، زمینه و زمانه انعقاد نطفه آن چیست و کی است؟

- آیا مفهوم عقلانیت از بدو تولد خود در نهضت روشنفکری قرن ۱۸ اروپا مفهوم به‌خوبی ساختاریافته و مضبوط و منظمی بوده است؟

- آیا همه فیلسوفان و متفکران مختلف سازنده و بکاربرنده آن از طلوع نهضت روشنفکری به‌این‌سو، یک تلقی، یک انتظار، یک مجموعه از موازین را بر آن سوار کرده‌اند یا درون قالب/پاکت آن ریخته‌اند؟

- و آیا آن تلقی، انتظار، و یا مجموعه از موازین روشن و معلوم است؟

- آیا به‌راستی معلوم است که پیش از نهضت روشنفکری کدام فیلسوف، کی و کجا آن واژه را به مفهوم بسیار کلی و غبارآلود قرن هجدهمی‌اش به‌کار برده است؟

- آیا برای ما فیلسوفان غربی، امروزه تصویر/تلقی روی‌هم‌رفته روشنی از آنچه که طلایه‌داران خط مقدمی نهضت روشنفکری - همچون دیوید هیوم، ایمانوئل کانت، ژان ژاک روسو، چارلز برون دومنتسکیو، و ادم اسمیت - مراد و منظور می‌کردند وجود دارد؟

- آیا برای هر یک از آن طلایه‌داران روشنفکری تصویر/تلقی روی‌هم‌رفته روشنی از عقلانیت وجود داشت؟

- آیا اتفاق رأی و یا حتی اجماعی نسبی میان آن طلایه‌داران وجود داشت؟

- آیا هیچیک از آن تلقی‌های به‌طور مبهم در حال تقویم در عصر عقل، در قرون بعدی و به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم دچار تغییر و تحولی نشده است؟

- آیا امروزه فیلسوفان حوزه‌های مختلف و عالمان نوآور عرصه‌های مختلف - در جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، تاریخ، زبان‌شناسی، شهرسازی، حقوق، علوم تربیتی و روانشناسی، و نقد ادبی - از مفهوم، از تلقی / تصویر، و یا از نظریه واحدی از عقلانیت سخن می‌گویند؟
- آیا فیلسوفان تنها یک حوزه و عالمان نوآور تنها یک عرصه به مفهوم، تلقی، یا نظریه مورد اجماعی از عقلانیت نائل شده‌اند؟

- آیا حتی فیلسوفان / عالمان عقلانیت‌پژوه تنها یک حوزه، آن‌هم نه در طول تاریخ که صرفاً در حال حاضر به مفهوم، تلقی، یا نظریه اجماع‌شده‌ای از عقلانیت دست یافته‌اند؟
- آیا اینک روشن است که واژه عقلانیت حتی روی هم رفته چه معنا و دلالتی در فکرو اندیشه غربی دارد؟



- آیا اینک برای ما فیلسوفان / عالمان ایرانی و سایر اصنافی که با شوق زاید الوصفی موج‌سواری کرده واژه عقلانیت را به فکرو اندیشه خود الصاق می‌کنیم روشن است که دقیقاً چه چیز را - چه ممیزات یا موازینی را - به فکرو اندیشه خود الصاق می‌کنیم؟ روشن است؟! البته این امکان وجود ندارد که فیلسوفی / عالمی بدون اطلاع از کم‌وکیف، و از سوابق و لواحق بحث‌هایی که در غرب بر سر عقلانیت رفته و کماکان می‌رود خود ابتدابه ساکن و بی‌هیچ زمینه‌ای دست به تأملاتی بزند و به مفهوم یا تلقی‌ای هم نایل شود. زیرا در میراث اندیشه‌ای و فرهنگی

ما چنین واژه‌ای، مفهومی، یا نظریه‌ای وجود ندارد. روشن است که نمی‌توان در خلایی از آن کم‌وکیف و آن سوابق و لواحق دست‌وپایی تکان داده، طرحی و فکری ارائه کرد. - می‌ماند اینکه: پس هنگام الصاق برجسب عقلانیت چه می‌کنیم؟ خیلی ساده، داریم موج‌سواری می‌کنیم: داریم به زبان خوش‌خط و خال و فاخر و درعین حال بسیار مبهمی دعوی و جاهت، اعتبار، مقبولیت، صحت، درستی یا صدق، کارآمدی، آفاقیت، فایده‌مندی، کفایت‌مندی، موّجه بودن، و به ویژه بی‌طرفی می‌کنیم. - با این مقدمات، سؤال نخست این مقدمه را بازصورت‌بندی می‌کنیم: آیا لازم است که فیلسوفان/عالمانی که اصالتاً و اساساً دلشان در گرو منابع و میراث فرهنگی-معنوی بومی است نظریه‌ای در باب عقلانیت دراندازند؟

- روشن است که می‌توان با غور و غواصی در جریان بسیار بی‌قرار، مواج و پرتحول عقلانیت در فلسفه و اندیشه غربی، آراء و اندیشه‌هایی را با عطف و نظریه آنها تحت عنوان نظریه‌ای در باب عقلانیت و یا، دقیق‌تر، تحت عنوان تمهیداتی جهت تقویم عقلانیتی اسلامی درانداخت. اما اینک از خود سؤال کنیم: چه ضرورتی دارد که نام آن مجموعه از تأملات و پژوهش‌ها را نظریه‌ای در باب عقلانیت و یا تمهیداتی جهت تقویم عقلانیتی اسلامی بگذاریم؟

- آیا روشن است که با این کار در ساحت معرفت درجه سه^۱ شروع به موج‌سواری کرده‌ایم؟

۱. اگر معرفت درجه یک را دعاوی معرفتی خود بدانیم، آنگاه می‌توانیم موازین

- و آیا روشن است که با این موج سواری می خواهیم چه چیزی را برای حرف و حدیث های خود، و در واقع برای خود، بی سروصدا دست و پا کنیم؟^{۱۹}

نسیم آباد، ماه شریف و کریم و پرفضل رمضان، تیر ۱۳۹۵

ارزیابانه معرفتی، از جمله عقلانیت، را درجه دو بخوانیم. در این صورت، بحث و تأمل در باب چیستی یا چه بایستی مفهوم یا نظریه عقلانیت را در حوزه معرفت درجه سه خواهیم دانست.

۱. شایسته است از همکار ارجمندم آقای دکتر محمدرضا اسدی (استاد فلسفه دانشگاه علامه) که در خلال گفتگویی فکراولیه لزوم طرح این مقدمه را گوش زد کردند تشکر کنم. پرواضح است که امکان دارد ایشان با چگونگی طرح آن، و نیز یکایک سؤال ها، و مواضع مأخوذ بنده به طور کامل و یا حتی نسبی هم موافقت نداشته باشند.